رجعت

محمد هادی معرفت

بسم الله الرحمن الرحیم

رجعت

نویسنده:

محمد هادی معرفت

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رجعت

مشخصات کتاب

مولف:محمد هادی معرفت

مقدمه

از جمله مسایل پیچیده‌ای که پس از ظهور حضرت مهدی(ع) رخ می‌دهد مسئله رجعت است به این معنی که گروهی از مؤمنان برای مشاهده ظهور دولت حق و لذت بردن از آن به این جهان باز می‌گردند و به همراه ایشان گروهی از منافقان هم زنده شده و به این جهان می‌آیند تا کیفر کردار ناشایست خویش را بچشند. عقیده به رجعت مختص شیعیان است و امامیه از دیرباز بر این باور بوده و بدان معروف گشته‌اند و به واسطه همین عقیده همواره مورد طعن دشمنان خویش بوده‌اند. در همین زمینه می‌توان در طول تاریخ مباحثات و مناظراتی را که میان بزرگان شیعه و مخالفان ایشان انجام می‌شده است، به کرات مشاهده کرد. [۱] . درباره موضوع رجعت همانند بسیاری از موضوعات دیگر می‌توان در لابه‌لای روایات مطالبی یافت. به گفته علامه مجلسی بیش از دویست روایت در این زمینه وجود دارد که همه آنها را در باب «رجعت» کتاب شریف بحارالانوار می‌توان مطالعه کرد. [۲] . در قرآن کریم هم آیاتی وجود دارند که از آنها امکان رجعت به خوبی برداشت می‌شود. این آیات از گروههایی سخن می‌گویند که پس از مرگ زنده شده و مجددا به حیات خود ادامه داده‌اند. خلاصه این که فزونی روایات رجعت و توافق آنها با ظواهر قرآن و اتفاق نظر علمای شیعه اعتقاد به این مسئله را در زمره ضروریات مذهب تشیع قرار داده است و از اختصاصات پیروان این مذهب از همان ابتدا بوده است. در اینجا به بررسی برخی از این آراء، آیات و روایات می‌پردازیم:

رجعت در کلام بزرگان

۱ـ۱. شیخ صدوق (م.۳۸۱ق.) در کتاب اعتقادات خویش می‌گوید: عقیده ما درباره رجعت این است که آن را حق می‌دانیم. سپس شواهدی قرآنی در اثبات این مطلب ارایه می‌کند که از آن جمله است: ۱. داستان گروهی که از دیار خویش خارج شدند تا به گمان خود از مرگ و طاعون بگریزند لیکن به خواست الهی مرگ آنها می‌رسد و پس از مدتی دوباره زنده می‌شوند؛ ۲. داستان مردن و زنده شدن حضرت «عُزیر» که ضمن آیه ۲۵۹ سوره بقره آمده است؛ ۳. زنده شدن قوم حضرت موسی(ع) پس از آنکه اسیر صاعقه شده بودند؛ ۴. زنده شدن اصحاب کهف و تردد میان مردم و در نهایت بازگشت به جایگاه اولیه‌شان. از جمله دلایل ایشان در اثبات رجعت این است که رجعت در امتهای پیشین هم اتفاق افتاده و به طور قطع هم در امت اسلام اتفاق می‌افتد؛ چرا که از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است: «هر آنچه در امتهای گذشته انجام شود برای مسلمانان هم عینا اتفاق می‌افتد.» ۵. استناد به آیه «و یوم نحشر من کلّ أمّهٔ فوجا ممّن یُکّذب بآیاتنا؛ [۳] روزی خواهد آمد که از هر امتی برخی از آنها که ما را تکذیب کردند، برانگیزیم»؛ که این روز همان رجعت است که تنها عده‌ای از ظالمان برانگیخته می‌شوند و نه همه ایشان [۴] و امکان وقوع رجعت با استناد به قرآن بر همین پایه استوار است. ۲ـ۱. شیخ مفید (م۴۱۳ق.) در پاسخ پرسشی درباره رجعت می‌گوید: ... خداوند پیش از قیامت گروهی از این امت را بازمی‌گرداند... و عقیده به رجعت از ویژگیهای مذهب اهل بیت(ع) است... خداوند از قیامت کبرا چنین خبر داده که «همگی را برمی‌انگیزیم و احدی را فروگذار نمی‌کنیم» حال آنکه در باب رجعت می‌گوید. «از هر گروهی دسته‌ای را برمی‌انگیزیم» و لذا بنا بر خبر خداوند متعال دو قیامت صغرا و کبرا خواهیم داشت. و همچنین خداوند چنین از ستمکاران

نقل قول می کند که: «خداوندا! دو بار ما را میراندی و زنده کردی» گروه ستمکاران از دو مرگ و زندگی سخن می گویند: در این جهان بوده و می‌میرند و در رجعت هم زنده شده و باز می‌میرند و برای مرتبه دوم برای روز رستاخیز زنده می‌شوند. پس دو بار میرانده شده و دو بار زنده گردیده‌اند. ولی دیگران در تفسیر این آیه دچار اشکال شده‌اند؛ چرا که مرگ نخستین را پیش از زندگی این جهان فرض کرده‌اند حال آنکه نبود پیش از بودن را مرگ نمی گویند. [۵] . ۳ـ۱. سید مرتضی، علم‌الهدی (م.۴۳۶ ق.) هم درباره حقیقت رجعت چنین می گوید: شیعه امامیه معتقدند که خداوند متعال هنگام ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از مؤمنان را برمی‌انگیزد تا از ظهور دولت حق بهره برده و ایشان را نصرت و یاری کنند... و همچنین گروهی از دشمنان را برمی گرداند تا از آنها انتقام گرفته شده و مؤمنان تسکین خاطر پیدا کنند... دلیل صحت این گفتار، ممکن بودن تحقق آن توسط خداوند متعال است؛ چرا که امری ممتنع و محالی نیست هر چند گروهی از مخالفان آن را غیرممکن دانسته‌اند. وقتی رجعت را مسئله ممکنی بدانیم با اجماع شیعه امامیه و اتفاق نظر علمای ایشان بر این موضوع آن را اثبات می کنیم... اتفاق آراء شیعه کاشف از رأی معصوم(ع) است که قطعا حق و درست است. البته رجعت با مسئله اختیار مکلفان در تضاد نیست همانگونه که ظهور معجزات هم با آن در تضاد نیست؛ چرا که در هیچکدام سلب اختیار نمی‌شود و موجب الجاء نمی گردد.... برخی رجعت را تأویل کرده و می گویند مقصود از آن بازگشت دولت حق و حاکم شدن دین خدا بر خلق است نه آنکه اشخاصی پس از مرگشان به دنیا برگردند. توسل این گروه از شیعیان به چنین تأویلی ناشی از ناتوانی آنها برای اقامه برهان محکم در برابر مخالفان است که اشکال می کنند رجعت امری ممتنع و غیر ممکن است. حال آنکه جواب این دسته از مخالفان چنین است که اثبات رجعت تنها متکی به روایاتی که جنبه اخبار آحاد دارد نیست بلکه به پشتوانه اجماع طایفه، این موضوع ثابت می‌شود که خداوند گروههایی از مؤمنان و منافقان را هنگام ظهور حضرت مهدی(ع) زنده می کند و به این جهان باز می گرداند تا از نعمت دولت حق بهره برده و از انتقام دشمنان شادمان شوند. این موضوع که با چنین صراحتی بیان شده قابل تأویل نیست. [۶] . ۴ـ۱. علامه معاصر شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م.۱۳۷۳ق.) در رد کسانی که مسئله رجعت را از ارکان مذهب تشیع برشمرده و آن را بهانه‌ای برای طعنه زدن به ایشان قرار داده‌اند، چنین می گوید: اعتقاد به رجعت لازمه مذهب تشیع نیست و انکار آن زیانی ندارد. هر چند که این مسئله نزد ایشان کاملاً روشن و بدیهی است... ولی ملازمه‌ای میان تشیع و اعتقاد به رجعت وجود ندارد... و این همانند برخی از اخبار غیبی (پیشگوییها) است که وقوع آنها پیش از قیام قیامت صورت می گیرد و امر مشهوری است؛ مانند نزول حضرت مسیح، ظهور دجال، شورش سفیانی و دیگر مطالبی که راجع به نشانه‌های قیامت مطرح شده است. چنین مطالبی ربطی به اساس دینداری ندارد و از اصول دین نمی‌باشد و نه انکار آن موجب خروج از دین و ارتداد است و نه اعتراف صرف به آن موجب ورود به جمع دینداران و مسلمانان می‌شود، بلکه رجعت نزد شیعیان همانند مطالبی است که پیش از این برشمردیم.... آیا کسانی که تنها به این بهانه شیعه را مورد طعن خود قرار می‌دهند اصلاً می‌دانند رجعت چیست و چرا گمان می کنند غیر ممکن است خداوند گروهی را پس از مرگشان دوباره زنده کند حال آنکه نظیر آن در زمانهای گذشته به وقوع پیوسته و مورد تصریح قرآن کریم می‌باشد. مگر داستان حضرت حزقیل و زنده شدن کسانی که از ترس مرگ از خانه‌هایشان متواری شدند و با این حال باز هم مبتلا به مرگ شدند را نشنیده‌اند؟ مگر آیه کریمه «و یوم نحشر من کلّ أمّهٔ فوجا» را نخوانده‌اند در حالی که در رستاخیز بزرگ همه گروهها و ملتها محشور می‌شوند. آری مسئله رجعت چیزی جز بهانه و وسیله‌ای برای طعنه زدن دشمنان شیعیان به ایشان نبوده است. [۷] .

رجعت در آیات قرآن

برخی از آیات قرآن تنها امکان رجعت را به اثبات می‌رسانند و برخی دیگر هم به صراحت از رجعت سخن می گویند که در اینجا برخی از این آیات را بررسی می کنیم. ۱ـ۲. و یوم نحشر من کلّ أمّهٔ فوجا ممّن یکذّب بآیاتنا فهم یوزعون. [۸] . [روزی که از هر

ملتی فوجی ـ از آنـان که آیـات مـا را تکـذیب می‌کردنـد ـ گرد می‌آوریم و آنـان را به صف براننـد.] این آیه تصـریح می‌کنـد که گروههایی از ستمگران برانگیخته می‌شونـد و نه همه آنها؛ حال آنکه توصـیف قیامت چنین است: و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بـارزهٔ وحشـرناهم فلم نغـادر منهم أحـدا و عرضوا علی ربّـِک صـفًا لقـد جئتمونـا کما خلقناکم أوّل مرّهٔ بل زعمتم أن لن نجعل لکم موعدا. [۹] . روزی کـه کوههـا را بـه راه می‌انـدازیم و زمیـن را بینی کـه هر چه در انـدرون دارد بیرون افکنـده است و همه را برای حسـاب گردمی‌آوریم و یک تن از ایشان را رها نمی‌کنیم. همه در یک صف به پروردگارت عرضه می‌شونـد. اکنون نزد ما آمـدید همچنان که نخستین بار شما را بیافریدیم. آیا می‌پنداشتید که هرگز برایتان وعده‌گاهی قرار نخواهیم داد؟ و در آیه دیگر می‌خوانیم: و یوم ینفخ فی‌الصور ففزع من فی السـماوات و من فی الأرض إلاّ ما شاء ربّک و کلّ أتوه داخرین. [۱۰] . [روزی که در صور دمیده می‌شود و همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند ـ مگر آن که خدا بخواهد ـ بترسند و همه خوار و ذلیل به سوی او روان شوند.] علامه طبرسـی در ذیل آیه یاد شـده (یوم نحشـر من کلّ أمّهٔ...) می‌گوید: «مِن» در اینجا افاده تبعیض می‌کند و بنابراین دلالت بر این دارد که در روز مورد اشاره آیه، تنها برخی از مردم محشور می‌شونـد و این با صـفت روز قیامت که خداوند در مورد آن می‌گوید: «آنهـا را محشور می‌کنیم و هیچکس از آنهـا را رها نمی‌کنیم» سازگاری نـدارد. روایات فراوانی از امامان اهل بیت(ع) دلالت بر این دارد که خداونـد تعالی به هنگام ظهور مهـدی(ع) گروهی از دوسـتان و شـیعیان آن حضـرت را که پیش از این از دنیا رفته بودند به دنیـا برمی‌گردانـد تا به پاداش یاری و کمک به او برسـند و با ظهور دولتش شادمان شونـد. همچنین گروهی از دشـمنان او را به دنیا برمی‌گرداند تا از آنها انتقام گیرد و به عذابی که مسـتحق آن هسـتند (کشـته شدن به دست شیعیان و خواری و سرافکندگی به سبب مشاهـده قدرت و شوکت امام مهدی(ع)) برسـند. ایشان در ادامه می‌نویسد: اما برخی از امامیه از آنجا که گمان می‌کردند رجعت با تکلیف منافات دارد، روایات وارد شـده در این زمینه را تأویل کرده و گفته‌اند. مراد از آنها بازگشت دولت [حق] و امر و نهی است نه بازگشت اشـخاص و زنده شدن مردگان. اما این‌گونه نیست؛ چرا که رجعت از کسی سلب اختیار نمی‌کند و چنین نیست که افراد را به انجام واجبات و ترک محرمات مجبور سازد و همان طور که با ظهور معجزات بزرگ از قبیل شـکافته شـدن دریا و اژدها شدن عصا و مانند اینها تکلیف پا برجا می‌ماند با وقوع رجعت هم تکلیف باقی می‌ماند. وانگهی رجعت تنها با اخبار ثابت نمی‌شود تا قابل تأویل باشـند، بلکه اجماع شـیعه امامیه بر آن است و اخبار هم مؤید اجماع است. و در پایان هم می‌فرماید: کسانی هم که این آیه را مربوط به قیامت می‌داننـد می‌گویند: مراد از «فوج» گروهی از رؤسا و پیشوایان کافران هسـتند که برانگیخته و گردآوری می‌شوند تا حجت بر آنان تمام شود. [۱۱] . فخر رازی می‌گویـد: این آیه مربوط به اموری است که پس از قیامت اتفاق می‌افتـد. [۱۲] . آلوسی هم می‌گوید: مراد از این حشـر که نسبت به عده‌ای جدای از دیگران انجام می‌شود حشـر مجددی است که برای سرزنش و عقوبت کردن آنهـا انجـام می‌شود و پس از حشـر اکبری است که ضـمن آن همگـان محشور می‌شونـد. [۱۳] . ولی بـا توجه به سـیاق آیات می‌توان گفت حشـر اصـغر پیش از حشـر اکبر اتفاق می‌افتد. در ذیل همین آیه درباره قیامت چنین آمده است: و یوم ینفخ فی‌الصور ففزع من فی السـماوات و من فی‌الأرض. [۱۴] . [روزی که در صور دمیـده شود و همه کسانی که در آسـمانها و زمین هسـتند ـ مگر آن که خـدا بخواهـد ـ بترسـند و همه خوار و ذلیـل به سوی او روان شونـد.] اگر ترتیب نزول آیه در آن رعایت شـده باشـد، به طور طبیعی می‌بایست حادثه رجعتِ دسته‌ها پیش از نفـخ صور انجام شود. ۲ـ۲. قالوا ربّنا امتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین فاعترفنا بـذنوبنا فهل إلی خروج من سبیـل. [۱۵] . [می‌گوینـد: ای پروردگـار مـا، مـا را دوباره میرانیـدی و دوباره زنـده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم. آیا بیرون شدن را راهی هست؟] در این آیه از دو بار میراندن و زنده ساختن سخن رفته است. که هر میراندن حیات سابقی را می‌رساند. همانگونه که دو بار زنده نمودن، مرگ پیشین را حکایت دارد. به اعتقاد امامیه، میراندن نخست پس از حیات دنیوی و مرگ دوم پس از حیـات در رجعت است. چنانکه زنـده ساختن نخست در رجعت و زنـده ساختن دوم در روز واپسـین است. برخی میرانـدن اول را همـان حالت نطفه بودن؛ میرانـدن دوم را مرگ پس از حیات دنیوی و حیات دوم را حیات اخروی دانسـته‌اند. برخی

دیگر حیات دوم را در قبر دانسته‌اند که انسانها برای پرسش زنده می‌شوند. دسته اول برای اثبات مدعای خود به این آیه استناد کرده‌اند: کیف تکفرون باللّه و کنتم أمواتا فأحیاکم... [۱۶] . چگونه خدا را انکار می‌کنید، در حالی که مرده بودید و او شما را زنده ساخت، باز می‌میراند و زنده می‌کند و آنگاه به نزد او بازگردانده می‌شوید؟ مقصود ایشان در اینجا حالت پیش از دمیدن روح است اما این استدلال درست نیست؛ چرا که بر حالت پیش از دمیده شدن روح وصف «موات» (مرده) صدق می‌کند نه «امامهٔ» (میراندن). به بیان دیگر وصف موات با هرگونه حالت نبود حیات مناسبت دارد ولی «امامهٔ» در صورتی صدق می‌کند که از موجود سلب حیات گردد. به علاوه با این فرض می‌بایست سه موت داشته باشیم: پیش از دمیدن روح، پس از حیات دنیوی، پیش از حیات برزخی. مضاف بر این که مؤمنان در بهشت، تنها صحبت از یک مرگ می‌کنند: أفما نحن بمیتین إلّا موتتنا الأولی [۱۷] . [ما جز مرگ اول دیگر نخواهیم مرد.] ۲ـ۳. و تحسبهم أیقاظا و هم رقود... و کذلک بعثناهم لیتساءلوا بینهم... [۱۸] . می‌پنداشتی که بیدارند حال آنکه در خواب بودند... همچنین بیدارشان کردیم تا با یکدیگر گفت و شنود کنند. از جمله دلایل صحت و امکان رجعت زنده شدن اصحاب کهف است که در آیه یاد شده بدان اشاره شده است. ۲ـ۴.أو کالذی مرّ علی قریهٔ و هی خاویهٔ علی عروشها قال أنّی یحی هذه اللّه بعد موتها فأماته اللّه مائهٔ عام ثمّ بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوما أو بعض یوم قال بل لبثت مائهٔ عام فانظر إلی طعامک و شرابک لم یتسنّه وانظر إلی حمارک و لنجعلک آیهٔ للناس وانظر إلی العظام کیف ننشزها ثمّ نکسوها لحما فلمّا تبیّن له قال أعلم أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر. [۱۹] . [یا همانند کسی که از کنار روستایی عبور کرد که سقفهای [بناهای] آن فرو ریخته بود [ویران شده بود]. و مردمش مرده و استخوانهایشان پوسیده و پراکنده شده بود، به خود گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگشان زنده می‌کند؟! به دنبال این حرف خداوند او را صد سال میراند و سپس او را مجددا زنده کرد و او را خطاب کرد: چقدر درنگ کردی [و خوابیدی]؟ گفت یک روز یا بخشی از یک روز. ندا آمد که نه، توصد سال درنگ کرده‌ای. به خوردنیها و آشامیدنیهای همراهت نگاه کن هیچ تغییری نکرده‌اند. ولی الاغت را بنگر که چگونه [بدنش [پوسیده و متلاشی شده است. اینها همه برای آن است که تو را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. حال به استخوانهای متلاشی شده الاغت نگاه کن که چگونه آنها را کنار هم می‌آوریم. او هم هنگامی که این حقایق برایش روشن شد گفت: به یقین می‌دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.] این داستان مربوط به حضرت «عُزیر» یکی از انبیای بنی‌اسراییل است. ۲ـ۵. ألم تر إلی الذین خرجوا من دیارهم و هم ألوف حذر الموت فقال لهم اللّه موتوا ثمّ أحیاهم إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکن أکثر الناس لایشکرون. [۱۳] . [آیا ندیده‌ای (ندانسته‌ای) گروهی متشکل از هزاران نفر از ترس مرگ از دیارشان خارج شدند و خداوند به آنها گفت: بمیرید [آنها هم مردند] پس از آن ایشان را زنده کرد. حقیقتا خداوند نسبت به بیشتر مردم فضل و بخشش دارد در حالی که اکثر ایشان شکرگذار نیستند.] بنا بر نقل هفتاد هزار خانه وار بودند که از ترس مرگ، بیماری طاعون را بهانه کرده و در جهاد شرکت نجستند و از خانه‌هایشان بیرون آمدند که ناگهان همگی مردند و پس از مدتی به واسطه دعای «حزقیل» نبی، سومین وصی حضرت موسی(ع) زنده شدند [۱۴] در قرآن کریم هم این جریان چنین بیان شده است: ۲ـ۶. و إذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتّی نری اللّه جهرهٔ فأخذتکم الصاعقهٔ و أنتم تنظرون ثمّ بعثناکم من بعد موتکم لعلّکم تشکرون. [۱۵] . [هنگامی که گفتید: ای موسی تا خداوند را به وضوح نبینیم به تو ایمان نمی‌آوریم و در حالی که خود شاهد بودید دچار صاعقه شدید [و مردید] سپس شما را پس از مرگتان دوباره برانگیختیم شاید که سپاسگزار باشید.] حضرت موسی(ع) هفتاد نفر از قوم خویش را برگزید و با خود به کوه طور برد؛ در طول مسیر آنها از او درخواست رؤیت خدا را کردند؛ در این هنگام آنها گرفتار صاعقه شدند و از دنیا رفتند، اما با درخواست و وساطت حضرت موسی(ع) آنها مجددا زنده شدند تا شاکر خداوند باشند. ۲ـ۷. و إذا قتلتم نفسا فادّارأتم فیها واللّه مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی‌اللّه الموتی و ویریکم آیاته لعلّکم تعقلون. [۱۶] . و هنگامی که یکی را کشتید و گناه کشتن را به گردن هم می‌انداختید. خداوند آنچه را کتمان می‌کردید مشخص کرد و گفتیم که بخشی از آن [گاو] را به او بزنید [تا زنده شده و گواهی دهد] اینگونه خداوند

مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد شاید که تعقل کنید. کشته‌ای در میان بنی‌اسرائیل یافت شد که معلوم نبود چه کسی او را کشته است. هر کس گناه آن را به گردن دیگری می‌انداخت. وحی شد که گاوی را کشته و بیخ دمش را به آن مرده بزننـد تا زنـده شود و قاتل خویش را رسوا سازد. آیه یاد شده به این موضوع اشاره می‌کند. ۸ـ۲. إن من أهل الکتاب إلاّ لیومننّ به قبل موته و یوم القیامهٔ یکون علیهم شهیدا. [۱۷] . و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش (عیسی مسیح) به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت بر ایمانشان گواهی خواهـد داد. از جمله دلایل صحت و امکان رجعت و بازگشت به این جهان پیش از قیامت، بازگشتن حضرت مسیح(ع) است که در آیه یاد شده به آن اشاره شده است. آن حضرت پس از رفتن از این جهان، بار دیگر باز می‌گردد و با حضرت مهدی(ع) بیعت و در نماز به او اقتدا می‌کند. پس از آن همه اهل کتاب به او ایمان آورده و از او پیروی می‌کنند. درباره بازگشت حضرت مسیح به زمین روایات زیادی نقل شده است که تنها به ذکر یکی از آنها می‌پردازیم: «شهر بن حوشب» که از تابعین بوده می‌گویـد: «حجاج بن یوسف ثقفی» به من گفت: آیه‌ای در قرآن است که مرا بیچاره کرده است. پرسیدم: کدام آیه؟ گفت: «إن من أهل الکتاب إلاّ لیؤمننّ به قبل موته». به خدا قسم، من دستور کشتن یهودیها و نصرانیهای بسیاری را می‌دهم ولی هرگز لبشان حرکت نمی‌کنـد و ایمان نمی‌آورنـد. بـدو گفتم: چنین نیست که گمان کرده‌ای. بلکه معنای آن چنین است که عیسی پیش از قیام قیامت از آسمان فرود می‌آیـد و آنگاه همه ملتهای یهود و نصاری به او ایمان می‌آورنـد پیش از آنکه عیسی بمیرد و در نمازش هم به مهـدی(ع) اقتـدا می‌کنـد. گفت: این تفسیر را از کجا آورده‌ای؟ گفتم: از [امام] محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع). گفت: آن را از چشمه زلالی دریافت کرده‌ای. [۱۸] .

رجعت در روایات

همـانطور کـه پیش از این گفـتیم علامه مجلسی(ره) بیش از دویست روایت در بـاب رجعت نقـل می‌کنـد و پس از نقـل همه آنها می‌گویـد: برای کسانی که به گفته‌های ائمه اطهار(ع) ایمان دارنـد، جای شک و تردیـد باقی نمی‌مانـد که مسئله رجعت حق است؛ چرا که روایات رسیده از ایشان در این موضوع در حد تواتر است و نزدیک به دویست روایت به آن تصریح دارند.... این روایات را بیش از چهل تن از بزرگان علما و محدثان در بیش از پنجاه کتاب معتبر نقل کرده‌اند. که از آن جمله‌اند: شیخ صدوق، کلینی، شیخ طوسی، علم‌الهدی، نجاشی، کشی، عیاشی، قمی، شیخ مفید، کراجکی، نعمانی، صفار، ابن‌قولویه، ابن‌طاووس، طبرسی، ابن‌شهر آشوب، راوندی و... [۲۰] . برخی از روایاتی که علامه نقل می‌کنـد، از این قرارنـد: ۱ـ۳. از امام صادق(ع) درباره آیه «و یوم نحشر من کلّ امهٔ فوجا» پرسیدند. حضرت فرمود: مردم (عامه) درباره آن چه می‌گوینـد؟ گفتند: می‌گویند درباره قیامت است. حضـرت فرمودنـد: آیا در روز قیامت از هر گروهی دسته‌ای برانگیخته و بقیه وانهاده می‌شونـد؟ نه چنین نیست... این آیه مربوط به رجعت و آیه «و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا» دربـاره قیامت است». [۲۱] . ۲ـ۳. علی بن ابراهیم بـا سنـد صحیحی از آن حضـرت(ع) نقل می‌کنـد که فرمودند: تنها کسانی رجعت می‌کنند که ایمان یا کفرشان خالص باشد. [۲۲] . ۳ـ۳. امام صادق(ع) درباره آیه «ربّنا أمّتنا اثنتین...» فرمودنـد: این آیه درباره رجعت است. [۲۳] . ۴ـ۳. باز ایشان فرمودند: از ما نیست کسی که به رجعت ایمان نداشته باشد. [۲۴] . ۵ـ۳. مأمون، خلیفه عباسی از امام رضا(ع) پرسید: نظر شما درباره رجعت چیست؟ فرمودنـد: رجعت حق است و در امتهای پیشین هم موضوع سابقه داری است و در قرآن هم ذکر شـده است. پیامبر اکرم(ص) هم فرمودنـد: هر آنچه در امتهای پیشین واقع شـده در این امت هم اتفاق می‌افتـد... و نیز فرموده: هنگام ظهور مهـدی، عیسی از آسمان فرود می‌آید و به وی اقتدا می‌کنند و باز فرموده: اسلام غریب بود و بار دیگر به غربت بازمی‌گردد و خوشا به حال غریبان. پرسیدند: پس از آن چه می‌شود؟ حضرت پاسخ می‌دهنـد: حق به اهلش بـازمی‌گردد. [۲۵] . ۶ـ۳. موضـوع رجعت در بسیاری از زیارتهـا هم آمـده است. به عنوان مثـال در زیـارت «جـامعه کبیره» که از معتبرترین زیـارات موجود می‌باشـد، عرضه می‌داریم: و جعلنی ممّن... یحشر فی زمرتکم و یکرّ فی رجعتکم و

یملّکك فی دولتکم و یشرّف فی عافیتکم و یمکّن فی أیّامکم و تقرّعینه غدا برؤیتکم. (خداوند) مرا از کسانی قرار دهد که... در گروه شما محشور می‌شود و با شما رجعت می‌کند و در دولت شما به سامان می‌رسد و در سلامت و عافیت شما مشرف می‌گردد و فردا چشمانش به دیدن شما روشن می‌شود.

شبهات درباره رجعت

علامه طبرسی ذیل آیه «ثم بعثنا من بعد موتکم لعلّکم تشکرون» در رابطه با زنده کردن هفتاد نفر از قوم بنی‌اسرائیل، شبهاتی را از منکران رجعت مطرح کرده و به پاسخ آنها پرداخته است که در اینجا به نقل آن می‌پردازیم: ۱ـ۴. زندگی در دار دنیا همراه با تکلیف است و تکلیف به دنبال اختیار می‌آید تا هر چه می‌کند از سر اختیار باشد و زوری به دنبال آن نباشد، حال آنکه وقتی یک نفر می‌میرد حقایق برای او مکشوف می‌شود و به ناچار حقیقت را می‌پذیرد و اگر به جهان بازگردد دیگر منکر آن نخواهد بود چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: و جاءت سکرة الموت بالحقّ ذلك ما کنت منه تحید... لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید. [۲۶] . [و به راستی که بیهوشی مرگ فرا می‌رسد. این است آنچه از آن می‌گریختی... تو از این غافل بودی. ما پرده از برابرت برداشتیم و امروز چشمانت تیزبین شده است.] علامه در جواب این شبهه می‌گوید: حالت مرگ برای چنین افرادی حالت بی‌خبری و بیهوشی است، همانند کسی که به خواب رفته باشد چیزی از حقایق آن جهان بر او آشکار نگشته و دوباره به همان حالت پیش از مرگ برمی‌گردند و اساسا سکرات موت چیزی را برای اینگونه افراد روشن نمی‌کند. [۲۷] . علامه در جای دیگر ذیل آیه «و یوم نحشر من کلّ أمّة فوجا» می‌گویند: رجعت هیچ منافاتی با امر تکلیف ندارد؛ چرا که در رجعت چیزی نیست که موجب جبر در قبول حق باشد و مکلف را به انجام واجب یا ترک حرام وادارد. زیرا جز این نیست که مجموعه‌ای از آیات و حقایق الهی برای او مکشوف شود و در عین حال مکشوف شدن حقایق از وی سلب اختیار نکرده و وی همچنان قدرت اعمال اراده و اختیار خویش را داراست. [۲۸] . فراموش نکنیم حقایقی که در رجعت برای افراد نمایان می‌شود بیش از آن چیزی نیست که هنگام قیامت کبرا برای افراد مشخص می‌شود و درباره آن هم قرآن به صراحت می‌گوید که باز از جمعیت کفار روحیه اطاعت و تبعیت مشاهده نمی‌شود: و لوتری إذ وقفوا علی النار فقالوا یا لیتنا نردّ و لا نکذّب بآیات ربّنا و تکون من المؤمنین بل بدا لهم ما کانوا یخفون من قبل ولو ردّوا لعادوا لما نهوا عنه و إنّهم لکاذبون. [۲۹] . [اگر آنها را در آن روز که در برابر آتش نگاهشان داشته‌اند بنگری، می‌گویند: ای کاش ما را بازگردانند تا آیات پروردگارمان را تکذیب نکنیم و از مؤمنان باشیم. نه، آنچه را که از این پیش پوشیده می‌داشتند اکنون برایشان آشکار شده، اگر آنها را به دنیا بازگردانند، باز هم به همان کارها که منعشان کرده بودند بازمی‌گردند. اینان دروغگویانند.] چنین تأکیدی را در آیات ۱۰۰ ـ ۹۹ سوره مؤمنون هم می‌توان مشاهده کرد و لذا اینطور نیست که گمان کنیم اینگونه افراد با روشن شدن حقایق از کرده‌های پیشین خود پشیمان می‌شوند و راه و روش جدیدی در پیش می‌گیرند بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت که رجعت مطلقا منافاتی با اختیار افراد ندارد. ۲ـ۴. اگر رجعت از جمله آیات و دلایل صحت نبوت است می‌بایست همانند دیگر معجزات در زمان حیات نبی‌اکرم(ص) رخ می‌داد. در پاسخ این شبهه نیز باید گفت: ضرورت چنین ملازمه‌ای مشخص نیست ومثال نقض چنین ادعایی هم رخ دادن پیشگوییهای ایشان از آینده است و اصلاً اقتضای چنین مسایلی این است که در آینده محقق شوند نه هنگام صدور کلام. ۳ـ۴. اعلام رجعت صحیح نیست؛ چرا که کسانی را وادار می‌کند که توبه از گناهان خود را موکول به آینده و زمان رجعت کنند. پاسخ این شبهه هم چنین است که: اولاً بازگشت در رجعت عمومی نیست و تنها عده‌ای از مردم رجعت می‌کنند و ثانیا احدی نمی‌داند که آیا او جزء رجعت‌کنندگان است یا خیر و همین که نمی‌داند بازمی‌گردد یا خیر در بازداشتن وی از گناهان کفایت می‌کند. [۳۰] . در فهرست نجاشی حکایتی از مؤمن الطاق آورده که یکی از مخالفان به او گفت: آیا به رجعت عقیده داری؟ گفت: آری. مخالف می‌گوید: پانصد دینار به من وام ده تا حین رجعت به

تو پس دهم. مؤمن الطاق هم به او می گوید. ضامنی بیاور تا ضمانت کند آن وقت تو به سان یک انسان بازگشت می کنی تا بتوانم وام خود را از تو بستانم، از کجا معلوم که بوزینه برنگردی؟! [۳۱] .

پاورقی

[۱] شعرا و ادبا در این باره اشعار نغزی سروده‌اند به علاوه می‌توانید داستان سید اسماعیل حمیری، قاضی سیار در محضر منسور عباسی را در الفصول المختار، شیخ مفید که ضمن المصنفات الشیخ المفید، ج۲، صص ۹۵ ـ ۹۲ چاپ شده و داستان مؤمن الطاق را با ابوحنیفه در بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۰۷ مطالعه کنید.

[۲] ر.ک: بحارالانوار، ج۵۳، صص۱۴۴ ـ ۳۹.

[۳] سوره نمل (۲۷)، آیه ۸۳.

[۴] ر.ک: مصنفات الشیخ مفید، ج۵، صص۶۳ ـ ۶۰.

[۵] ر.ک: رساله «اجوبهٔ المسائل السرویه» مسأله اولی.

[۶] رسائل شریف مرتضی، مجموعه اولی، صص ۱۲۶ ـ ۱۲۵.

[۷] أصل الشیعهٔ و أصولها، صص ۱۰۱ ـ ۹۹.

[۸] سوره نمل (۲۷)، آیه ۸۳.

[۹] سوره کهف (۱۸)، آیه ۴۷.]

[۱۰] سوره نمل (۲۷) آیه ۸۷.

[۱۱] مجمع البیان، ج۷، صص ۲۳۵ ـ ۲۳۴.

[۱۲] تفسیر الکبیر، ج۲۴، ص۲۱۸.

[۱۳] تفسیر روح المعانی، ج ۲۰، ص۲۳.

[۱۴] سوره نمل (۲۷)، آیه ۸۷.

[۱۵] سوره مؤمن (۴۰)، آیه ۱۱.

[۱۶] سوره بقره (۲)، آیه ۲۸.

[۱۷] سوره صافات (۳۷)، آیه ۵۹.

[۱۸] سوره کهف (۱۸)، آیه ۱۹ ـ ۱۸.

[۱۹] سوره بقره (۲)، آیه ۲۵۹.

[۲۰] ر.ک: مجمع البیان، ج۲، صص۳۴۷ ـ ۳۴۶.

[۲۱] همان (۲)، آیه ۲۴۳.

[۲۲] همان (۲)، آیه ۵۶-۵۵.

[۲۳] همان، آیه ۷۳ ـ ۷۲.

[۲۴] سوره نساء (۴)، آیه ۱۵۹.

[۲۵] تفسیر قمی، ج۱، ص۱۵۸؛ مجمع‌البیان، ج۳، ص۱۳۷؛ تفسیر فخررازی، ج۱۱، ص۱۰۴ با اندکی اختلاف.

[۲۶] ر.ک: بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۲۲.

[۲۷] همان، ص۵۱، ح۲۷.

[۲۸] همان، ص۵۳، ح۳۰.

[۲۹] همان، ص۵۶، ح۳۶.

[۳۰] همان، ص۹۲، ح۱۵.

[۳۱] همان، ص۵۹، ح۴۵.

[۳۲] سوره ق(۵۰) آیه ۲۲-۱۹.

[۳۳] مجمع‌البیان، ج۱، ص۱۱۵.

[۳۴] همان، ج۷، صص۲۳۵ ـ ۲۳۴.

[۳۵] سوره انعام (۶)، آیه ۲۸ ـ ۲۷.

[۳۶] مجمع‌البیان، ج۱، ص۱۱۵.

[۳۷] بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۰۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹